



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۶
شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵:۱۵ ریال

هدف امپریالیسم امریکا: سرکوب یا مسخ انقلاب

امپریالیسم آمریکا، چنانکه حتی مطبوعات بورژوازی آمریکا و اروپای غربی نیز به تفصیل می‌نویسند، در تدارک یورش تازه‌ای به قصد براندازی جمهوری اسلامی ایران است. ایجاد پایگاه‌های جدید در سومالی، عمان، مصر، کنیا؛ تمرکز نیروهای عظیم دریایی و هوایی در عمان و دیکو کارسیا، آماده‌سازی نیروهای مزدور در مصر، عراق و نقاط دیگر، اجزاء نقشه است که نام مشخص آمریکائی... مآبانه جیمز باندی «چشم مثبت ۸۰» بدان داده شده است. این تدارک‌های علنی نظامی، تمرین‌های مختلف در صحرائی نوادا و سواحل آمریکا، این مقالات حساب‌شده در جراید غرب و این اظهارات معمائی آقای هارولد براون وزیر دفاع آمریکا و دهها واقعیت عیان و نهان دیگر، نشان می‌دهد که، آمریکا برای حفظ مواضع متزلزل خویش در منطقه نفت‌خیز خاورمیانه، سخت نیازمند تظاهری به قدرت و «هارت و پورت» کردن است، تا «خلاء قدرتی» که از سقوط رژیم نظامی - پلیسی پهلوی در این عرصه پدید آمده، به نحوی پسر گردد و آمریکا بتواند منافع راهزانه خود را در

پیشنهاد حزب توده ایران را برای تشکیل «کنگره تفاهم ملی» جدی بگیرید

مصحابه‌ای که نامه «مردم» با رفیق نورالدین کیلوری بعمل آورده و متن آن در شماره ۳۲۶ (پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۹) انتشار یافته، یک مصاحبه عادی نیست. در این مصاحبه زمینه‌ها و عوامل پیدایش ناخرسندی «شعبدباندهای

تقویت سپاه پاسداران، تحکیم انقلاب است

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: دست‌هایی در کار است که مردم را نسبت به انقلاب بی تفاوت کند

سپاه پاسداران (باید) به بهترین نحو تجهیز و پشتیبانی بشود

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه‌های نماز جمعه دیروز، درباره تلاش‌هایی که در جهت بی‌تفاوت کردن مردم نسبت به انقلاب بعمل می‌آید، از جمله گفت: «دست‌هایی در کار است که مردم را بی‌تفاوت کند... به برادران مسئول در سطوح بالای کشور، همچنین در مواردی به عامه مردم گفته‌ام، وظیفه ما اینست که کوشش کنیم حالت بی‌تفاوتی نسبت به انقلاب و سرفروختن انقلاب در مردم بوجود نیاید و تاکنون بحمدالله هنوز در موارد بسیاری در مردم بی‌تفاوتی نیست... ما به کوشش و کنار مملکت مسافرت می‌کنیم،

زمانی که حرکت خروشان توده‌ها، بساط خیانت دودمان پهلوی و خدایگان آن، امپریالیسم آمریکا را از سر راه رویداد برآسمان انقلاب، ستارگانی پدیدار شدند که پاسداران انقلاب اسلامی، نام گرفتند. سپاه پاسداران، که از درون شعله‌های انقلاب سر برکشیده بود، وظیفه حراست از انقلاب را بر دوش گرفت و این دورانی بود که ضدانقلاب به سوراخ‌خاخیزی و در کمین فرصت بود، تا حمله مجدد خود را بر صف متحد توده‌های مردم سازمان دهد و انقلاب را، که با پیگیری خویش و مجروح و داغدار، هنوز گام‌های خود را بر زمین محکم نکرده بودند، به خاک و خون کشد. هر مرکز اختفای ضدانقلاب، کانون توطئه‌ای بود علیه انقلاب، و این مراکز یکی و دوتا نبود، بلکه صدها هزاره بود. از همین مراکز بود که هر شب ضدانقلاب، این گروگان زخم‌خورده، برای نقل و انتقال سلاح، برقراری پیوندها، رد و بدل اطلاعات و ضرب زدن به مردم انقلابی بحرکت درمی‌آمد، و هر کجا که با خطر پاسداران و کتیبه‌ها روبرو میشد، آنرا به رگبار گلوله می‌بست و این‌چنان - های جوان را بخون میکشید. سراسر کشور کمان این گروگان بی‌آزم بود پاسداران لذیذترین طعمه برایشان، زیرا که در پیشانی این جوانان از جان گذشته انقلابی آیه مرگ خود را می‌خواندند.

اما پاسداران پس‌هراس از خطری که روز و شب پیرامونشان چرخ می‌خورد، با ایمانی بی‌خلل و اراده‌ای بی‌تزلزل، سلاح در دست، در سنگرهای خود از انقلاب دفاع قرار دهد.

رژیم ضیاءالحق بر ضد حزب توده ایران

بالاخره رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق نتوانست آرام بگیرد و از زبان خبرگزاری رسمی خود «حزب کمونیست توده» را متهم کرده است که سعی دارد در روابط ایران و پاکستان اختلال کند! خبرگزاری آسوشیتد پرس پاکستان (خبرگزاری رسمی رژیم دست‌نشانده پاکستان) در گزارش مفصلی درباره مسائل ایران و گزارش‌های رسانه‌های گروهی ایران درباره پاکستان، بیشتر مانع تلاش کرده است که اسلام آمریکائی ضیاءالحق را با اسلام انقلابی امام خمینی در یک ردیف

کردند و سراسر کشور را کمان یکبار در جستجوی مرداب‌های غن ضدانقلاب کاویدند و کاویدند و آنرا گروه گروه تحویل کتیبه‌ها و دادگاه‌های انقلاب دادند. شبی نبود که دهها پاسدار در سنگر حفظ انقلاب بخون نغفلتند و فردای آنروز گروه دیگری از جوانان پاسدار در سنگر آنان جای‌نگیرند. هر گوشه‌ای که ضد انقلاب آتش‌افروزی کرد، پاسدار به مقابله با ضدانقلاب شافت. در کردستان، در گنبد، در خوزستان، در بلوچستان... پاسداران بسا سلاح‌های خود در برابر ضدانقلاب موضع گرفتند و سینه خود را سپر دفاع از انقلاب کردند. هر شهروندی که مورد تعدی قرار گرفت، برادر پاسدار را در کنار خود دید، و هر دهقانی که مورد هجوم ارباب بود، سلاح پاسدار به دفاع از او آمد. نقش پاسداران بویژه در روستاها و حمایت آنان از دهقانان زحمتکش، درخشان بوده است، و هم‌اکنون که نژادهای اتکلی برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی به روستاها هجوم برده و حتی اسلحه بر روی دهقانان کشیده‌اند، نقش برادران پاسدار و مبارزه آنان علیه فئودالها، قری‌الواقع شایان تحسین است.

ساواکی‌ها

نقش رهبری مائوئیستی چین در توطئه‌های امپریالیسم امریکایی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شمارند. بقیه در صفحه ۲

هر کلام نسجیده میتواند مانند تیری بر قلب وحدت خلق بنشیند

کارگران اداره پندربوشهر نیروی کار خود را چه ارزان می‌فروشند

ما از انقلابمان زمین، آب و دفع شر بزرگ مالک را می‌خواهیم

گزارشی از وضع دهقانان اطراف اراک

بازار طاغوتی مانده، باید تصفیه شود

امام خمینی در دیدار عصر چهارشنبه شهریور با کارکنان موسسه اطلاعات، یک مسئله بسیار مهم از نظر تربیت و تصفی‌پروژه‌های انقلاب اشاره کردند. امام خمینی گفتند: «باید بازار تصفیه بشود... بازار از آن بازار طاغوتی دریاید، یک بازاری که موافق احکام اسلام است، اداره بشود...» اشاره امام خمینی به تصفیه بازار و طاغوت‌زائی در آن، اشاره‌ای نیست که دفعه اول بعمل آمده باشد. امام خمینی در سخنرانیها و رهنمودهای قبلی خود نیز بدفعات به این مسئله مهم از نظر تربیت و تصفی‌پروژه‌های انقلاب اشاره کرده‌اند، اما اکنون اظهار صریح امام خمینی درباره تصفیه بازار اشاره خاص است، و معنی و مفهوم بسیار جدی و اساسی دارد. می‌توان گفت که این بار امام خمینی هستند، که با دوربینی و زرف‌نگری خود، افکار عمومی و نظر مسئولین جمهوری اسلامی را بخطر جدی برای سلامت و بقای انقلاب جلب کرده و رفع فوری و قاطع این خطر را گوشزد می‌کنند. به‌بینیم تذکر و زرف‌نگری امام خمینی در مورد ضرورت تصفیه بازار و طاغوت‌زدائی در آن، بر چه پایه و اساسی استوار است؟

قبل از ورود به بحث، بیجاست بازار را به‌شناسیم و ترکیب اقتصادی-اجتماعی آن را از نظر بگذرانیم: در وهله نخست چنین بنظر میرسد که بازار طیف همگونی مرکب از بازرگانان و پیشه‌وران کم و بیش هم‌طراز را تشکیل می‌دهد، که منافع اقتصادی-اجتماعی مشترکی دارند. چنین تصویری، اگر در زمانهای قدیم و هنگامیکه بازار مرکز مبادله کالاهای تولیدی در داخل کشور و مجتمع پیشه‌وران سنتی بود، مقرون با واقعیت باشد، لیکن از دوران تسلط استعمار و بویژه امپریالیسم بر ایران، رفته‌رفته، بکلی اصالت خود را از دست داده است.

واقعیت عبارت از اینست که، بازار ایران، حتی قبل از انقلاب مشروطه، از صورت لطیفی-همگون و دارای سرنوشت مشترک در آمد و تحت یک مفهوم، دو بازار بوجود آمد: یک بازار که از نظر اقتصادی ضعیف، ولی از نظر اجتماعی کنترلی بوده، همان اصالت اولیه خود را در واسطه‌بودن در مبادله کالاهای تولیدی در داخل کشور و تأمین نیازمندیهای مردم به کالاهای صنعتی تولیدی در داخل حفظ کرد. بازار دوم، که از نظر اقتصادی رو به فریب شدن گذاشت و تفسر محدود و معدودی را در بر می‌گرفت، اصالت خود را از دست داد و بتدریج عهده‌دار ایفای نقش دلالتی فروش کالاهای خارجی گردید. می‌توان بصراحت گفت که بازار اخیر، بویژه در طی یک قرن اخیر، رفته رفته نقش عمده‌تری در اسارت اقتصادی-سیاسی و عقب‌ماندگی اجتماعی ایران ایفا کرده و می‌کند. تقسیم بازار به دو تشر متمایز از هم: بازرگانان متوسط الحال، اصناف و پیشه‌وران مرتبط با امر مبادله و تولید داخلی از یکطرف، معدودی بازرگانان و بازاریان عمدی که نقش دلالتی کالا و سرمایه خارجی را در

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کارگران اداره بندر بوشهر نیروی کار خود را چه ارزان می فروشند



*** کارگران از مزایای کارگری بی-بهره اند**
*** آخر با روزی صد تومان که نمیشود ۹ سر عائله را اداره کرد**
*** گرانی و بی پولی - مسئله حاد کارگران اداره بندر بوشهر**

عدهای نیز در حال استراحت و دوربردی کیهسهای برنج به خواب رفته اند. انگار نه انگار که سروصدای وجود دارد.
 علی از روستای دوسران کوهمره، از توابع کازرون، به بندر آمده است. خودش می گوید:
 "بیش از ۵-۶ سال است که از گرسنگی و بدبختی برای کار به بوشهر آمدم. قبلا زراعت می کردیم. اما عایداتی نداشتیم. مجبور شدم وسائل خانم را بفروسم و به زن و بچم بدهم. از قبیل از عید تا کنون، دستمزد را ندادند. نه تنها من، بلکه عده زیادی از کارگران هم مثل من هستند."

کارما در اینجا بصورت گروهی است، یعنی هر کارفرما کار را اجاره می کند و مقداری پول می گیرد، بعد به روستاهای اطراف می رود، با درخود بوشهر تعدادی کارگر میامی کند. هر که ارزانتر حاضر سد کار کند، به کار گمارده می شود. یک گروه که کار تمام شد، نوبت به گروه دیگر می رسد. آن گروه دوباره باید بنشیند تا نوبت برسد.
 کار مادامی نیست. وقتی دربندر بار تخلیه شود، کار هست. در مواقع دیگر، باید گرسنگی بکسب.
 خانه نداریم و روی همین کیهسها مسکن و نایبستان را بر سر می بریم."

راجع به دستمزد عقب افتاده های می گوید:
 "از اول سال تا کنون بولمان رانده اند. همگی جمع شدیم و به استانداری رفتیم. معاون استاندار قول داد که ۱۵-۱۰ روزه بولمان را بگیرد. کی به داد ما می رسد؟ به ما مستضعفین کمک نمی شود."

چهارمین گندم دیم کاشته بودم در "دوسران" چیزی دستم را نگرفت. همفاس دنبال کار بودم. دنبال بدبختی بودم. اگر من سواد داشتم، همه این کارگرها را جمع می کردم و بدنیاال گرفتن حقوق عقب افتاده مان به همجا سر می زدم. روزی صد تومان با هزار بدبختی در بیاری، با این گرانی، تازه این دستمزد را هم ندهند!
 کارگر دیگری به طرف ما می آید انگار حرفی دارد. خودش را معرفی می کند:
 "شفیع نوروزی اهل بوشهر هستم. از وقتی که دستمزد روزانه دربندر در حال بوده است، من اینجا کار می کردم تا حالا."
 موی سرش سفید شده و به پیری زودرس دچار شده است.
 "۹ سر عائله دارم."
 از انقلاب صحبت می کند. کارگر با تجربه ای است:
 "در زمان طاغوت، اداره کار وسیله ای در دست ساواک بود، و وظیفه دست بولداران و

بندر بوشهر یکی از مهم ترین بنادر صادراتی و وارداتی ایران است. در این بندر هر روز دهها کشتی بزرگ و کوچک پهلو می گیرند، تخلیه میشوند و بار می گیرند.
 مواد وارداتی از قبیل سیمان، آهن، برنج و دیگر مواد مورد نیاز کشور توسط کارگران این بندر تخلیه می شوند. این کارگران اکثرا از روستاهای اطراف کازرون، برازجان و بوشهر هستند، که در برتو سوق به "تمدن بزرگ آریامهری!" از خانه و کاشانه خود به این محل آمده اند.
 ولی آنچه که آنها را وادار به آمدن به بندر کرده در واقع گرسنگی و فقر شدید ناشی از همان "تمدن بزرگ آریامهری!" بوده است.

دربندر امکانات ابتدائی زندگی مانند مسکن، بهداشت و غیره برای زحمتکشان وجود ندارد. گرمای شرعی بندر بوشهر و کار طاقت فرسای تخلیه کشتی، همراه با دگر محدودیتهای زندگی، رمقی در زحمتکشان باقی نگذاشته است. دربندر فروش نیروی کار بطور ساده انجام نمی گیرد. چرا؟ چون همیشه کشتی جهت تخلیه بار نیست و تعداد کارگران نیز زیاد است بنابراین رقابت در فروش نیروی کار، برای رفع گرسنگی و تامین زندگی بوجود می آید، که کارفرما را قادر می سازد، در ازاء مبلغ کمی دستمزد، کار سیدی از آنها بکشد، و حتی ماهها حقوق آنها را برداشت نکند.

زحمتکشان دائمی اداره بندر تا حدودی وضع بهتری نسبت به کارگران روزمزد دارند، هر چند که مصیبت هاشان در مجموع یکی است.
 کشتی بزرگی برنج تخلیه می کند. این کشتی یونانی است و برنج درون آن از رومانی وارد شده است. در هر خن (محوطه ای از کشتی که بار در آن است) تعدادی کارگر کیهسهای برنج را بوسیله طناب به جرانتال وصل می کنند. راننده جرانتال با مهارت خاصی این بستهها را بلند می کند و بیرون از کشتی فرود می آورد.
 چند کارگر نیز، کیهسها را در کامیون می چینند. اکثر آنها لخت هستند. علتش را گرمی هوا و "نداشتن بیس از یک پیراهن" می گفتند.

سامدار، کارگر دیگری می گوید:
 "اهل بوشهر هسبم. روزی صد تومان دستمزد می گیرم، با هزار بدبختی. نه بیمه هسبم، نه وسائل کار و نه مسکن و نه حق اولاد، هیچ هیچ. اگر الان، مثلا، من بمیرم، زن و بچم هیچ ندارند که بخورند. روز تعطیل هم حقوق نداریم! گرانی بدرمان را در آورده است. شرمنده و خجالت زده باید به خانه برگردیم. آخر این صد تومان که نمیشود بچه را مدرسه فرستاد و هم لباس خرید، هم خرج خانه داد، خلاصه ۸-۹ نفر را اداره کرد. من مادر زنم و بدر زنم را نیز باید نان بدهم. حق بیمه و مالیات از حقوق ما کسر می کنند، ولی از هیچ مزایایی بهره مند نیسیم. برای هر تن ۱۲ تومان پول می گیریم. حالا شما حسابی را بکنید که حدس بزنید از به کسی به کامیون منتقل کنیم، البته با کمک حرافعال، تا ۱۰۰ تومان بشود. در بوشهر هیچ چیز گرانتر است که آدم بتواند با این صد تومان زندگی را بچرخاند."
 کارگر دیگری، باقیقافای رنج دیده به نزد ما می آید. می گوید:
 "اداره کار بوشهر مثل سابق عمل می کند. چرا به وضع ما رسیدگی نمی شود؟ چرا حقوق ما را نمی بردارند؟ ما از کجا بیاوریم خوریم؟"
 در این گفتار زندگی صوری سرسبز چین و حرک است. شفیع نوروزی می گوید:
 "ما حاضریم تا پای جان با امریکا بجنگیم و ایدایش را نابود سازیم. اما باید سراجام مسئولین فکری هم به حال ما کنند."

سرمایه داران وابسته را بگویند و کارگران را بدبخت کند.
 از طرف همین اداره کار، یک روز برای حسن فکری کیم برای حزب رستاخیز بود- همه کارگران راجع کردند و گفتند: "بیائید به تهران برویم." و شما از شا هتاشا قدر دانی کنید بعد که اوضاع را س دیدند، آمدند همه ما را به ساواک تحویل دادند و بگذریم. می - خواهم این را بگویم که، اداره کار نباید مثل سابق حق کارگر را به کارفرما بدهد.
 باید در این ریم انقلابی - بخصوص که امام خمینی سببمان ما مستضعفین است - طرف کارگر را بگیرند. الان این کارگرها دستمزدشان را نگرفتند. به چه کسی باید مراجعه کنند؟
 من خودم روزی صد تومان درآمد دارم. با این صد تومان، با ۹ سر عائله، به کجایمان برسانم؟ گوشت، اگر بگیری، یک کیلو ۶۵ - ۶۰ تومان، برنج ۱۲ - ۱۰ تومان، سبزی و غیره که نگو. ۵ تومان می دهی یک مست سبزی می دهند. ولی با همه این بدبختی ها، ما صبر می کنیم. ما می گوئیم هنوز مملکتان در خطر است. ولی خوب امسال من که تجربه دارم، این حرف را می زنم. آشنایی که بدبختند، بچاره اند، زن و بچه نان گرسنه اند، واقعا وضعشان خراب است. باید به اینها رسیدگی شود. همین طبقه است که بشتیبان انقلاب است، بسبب این امام است.
 اینجا یک سندیکاست، اما سندیکای کارکنان دائم است. ما خودمان سندیکان داریم."

احیای ریخته گری پالایشگاه آبادان يك ضرورت مبرم و يك وظیفه انقلابی است

توضیح



کارگران اخراجی کارگاه آتیه ساز رابه سر کار بازگردانید

مدتی است که حدود ۶۰۰ تن از کارگران کارگاه آتیه ساز از کار اخراج شده اند و تلاش نمایندگان کارگران برای اشتغال دوباره آنها، تا کنون بی نتیجه مانده است.
 اخیرا نامه ای از جانب نمایندگان کارگران این کارگاه به وزارت کار نوشته شده است. در این نامه از جمله آمده است که:
 "ما نمایندگان کارگران کارگاه آتیه ساز... بیرو شکایات و دادرسی های فراوان... که مدارک و موارد آن عموما موجود است، مضافا پیرو آخرین صورت جلسه مشکله و مقرر در روابط عمومی وزارت کار، که طی آن شروع سریع پروژه و بکارگاردن عموم پرسنل عنوان شده است... متعاقب همه این تلاشها چون باز مسئولین کارگاه در ادامه رکود پروژه و ائتلاف بیت المال و تداوم بیکاری تعددی حدود ۶۰۰ کارگر، که علی الاصول نان آور حدود ۳۰۰۰ نفر هستند، با آقای وزیر کار... تماس گرفته شد."
 آنگاه طبق توصیه ایشان، با رئیس بنیاد مستضعفان و رئیس پروژه ملاقاتی انجام شد، ولی از این ملاقاتها نتیجه ای عاید کارگران نشد.
 نمایندگان کارگران در این نامه خواستهای خود را به این شرح اعلام کرده اند:
 "۱- آیا تحت این شرایطی که توطئه بشت توطئه در دامن زدن به ناراضیتهای و ایجاد جو آشفته می شود، اخراج بی رویه و بی دلیل ۶۰۰ کارگری پناه درست است؟
 ۲- در چنین صورت چه کسی باید بداد ما کارگران برسد، وزارت کار یا وزارت صنایع و

کارگران قالب سازی پی از بحث و تبادل نظر خودشان تصمیم به ساختن این دستگاه گرفتند و در مدت دو ماه، بسا صرف هزینه ای برآب کمتر، این دستگاه ساخته شد و مورد استفاده قرار گرفت.
 همچنین در زمان نخست وزیر دکتر محمد مصدق قطعات یدکی راه آهن دولتی ایران در این شعبه تهیه و ساخته می شد. ولی اکنون بچای ریخته گری یاه شده، فقط ۱۴۰ کارگر و کارمند آرموده مشغول بکارند و قسمت اعظم این شعبه عظیم، بسبب توطئه های عوامل داخلی و خارجی امریالیستها بکنی نابود شده و امروز جایش را آسفالتهای کرده اند.
 ... و چنین بود که توانستند ما را از نظر تکنیکی و وسائل یدکی به امریالیسم آمریکا و هندستان اروپائی و زاپتیانی وابسته سازند. رکود این شعبه ریخته گری و عدم راه اندازی مجدد آن می تواند ما را در اسارت دردناک نیازمندی به امریالیسم آمریکا نگاه دارد.
 کارگران مین دوست و فداکار پالایشگاه آبادان از مسئولین امور مسرانه طلب می کنند که هر چه زودتر برای نجات صنایع کشور از وابستگی به امریالیسم و جهانخواران فتنی، این کارگاه سودمند و کارآ را در پالایشگاه احیاء کنند، تا نیاز صنایع نفت به تکنولوژی خارج در این زمینه قطع شود."

«من يك كارگر شعبه ريخته گری پالایشگاه آبادان هستم، که از ابتدای خدمت، یعنی اردیبهشت سال ۱۳۲۸، پس از گذراندن دوره کارآموزی، در این شعبه مشغول بکار بوده ام. در این شعبه عظیم می توان انواع قطعات، دستگاهها و ماشین آلات، از قبیل قطعات بدکی کشتی و ماشین های ساختمانی و دستگاه های تصفیه نفت را تولید کرد.
 این شعبه دارای ۶ قسمت است:
 ۱- قسمت قالب سازی (نجاری)،
 ۲- قسمت خاک سیاه،
 ۳- قسمت کارهای برزی،
 ۴- قسمت خاک سرخ برای ساختن قطعات سنگین و لوله های فلز و پروانه های کشتی های نفتکش و سایر لوازم.
 ۵- قسمت مغزی (کوز شاپ)،
 ۶- قسمت سنگ سباده.
 این شعبه ریخته گری سه چهارم ما یحتاج پالایشگاه آبادان را تهیه می کرد. بخاطر دارم که بعد از رفتن انگلیسی ها و خلع ید از آنها، یکی از قطعات «کت کراکر» احتیاج به تعویض داشت، که پس از چند روز بحث و گفتگو، روسای کارگاه مرکزی تصمیم گرفتند که آنرا از انگلستان خریداری کنند، که تهیه آن ۶ میلیون پوند (پره انگلیسی) و به ۸ تا ۶ ماه وقت احتیاج داشت.

اخیرا نامه ای به شماره ۲/۴۱۱۸ - ۵۹/۶/۲، از طرف اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی، تحت عنوان "ارسال پاسخ" به دفتر نامه "مردم" ارسال گردیده است.
 موضوع این نامه مربوط به درج یک خبر کارگری در شماره ۲۵۸۸ نا مه مردم، مورخ ۵۹/۲/۲۵ است، با عنوان "کارفرما در شورای کارگران شرکت سلوی تبریز کارشکنی می کند."
 مطابق قانون مطبوعات می باید عتوکسی نا مه پیوست، با شماره ۵۹۸۸ - ۵۹/۵/۲۷، در نامه "مردم" درج گردد، که متاسفانه فتوکسی نا مه مذکور به دفتر نا مه "مردم" ارسال نگردیده است.
 ما از مسئولین اداره کل ارشاد ملی آذربایجان شرقی درخواست می کنیم که مجددا برای درج نامه فوق در نامه "مردم" اقدام نمایند.
 معادن؟
 ۳- با وزارت کار جمهوری اسلامی را حاکم بر روابط کار می شناسیم و از مسئولین این وزارت انتظار کف و احقاق حق می کنیم و انتظار داریم عدال بقاطر امام امت بداد خواهی ما توجه شود.
 ۴- در صورتیکه باید به نهاد دیگری مراجعه کنیم، حداقل ما را سنگ قلاب نکنند و کتاب این مطلب اعلام شود.
 ۵- ما کارگران همانطور که بارها نشان داده ایم، حاضریم سخت ترین مصائب را تحمل کنیم و همواره نیروی پیگیر و حامی انقلاب باشیم."
 از ملاقات مسئول وزارت کار انتظار داریم که هر چه زودتر کارگران اخراجی را به سرکار باز گرداند، تا به این وسیله ۶۰۰ خانواده از نگرانی خارج شوند و ضداقلاب هم از زمینه ناراضیتهای سوء استفاده نکند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند
زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

ما از انقلابمان زمین، آب و دفع شر بزرگ مالک را میخواهیم

«اگر آب و زمین به اندازه کافی به ما بدهند، پدر آمریکا را درمی آوریم»
 «بعد از انقلاب، هنوز هم ما ارباب داریم»

جوانان این روستا یسواد هستند. یکی از روستائیان میگوید: «سال پیش با هزار خواهش توانستم برای روستائیان، که ۴۰ نفر مدرسه رو دارند، معلم یاوریم، ولی پس از مدتی چون مدرسه نداشتیم، معلم از روستایمان رفت و گفت هر موقع مدرسه درست کردید، برمی گردیم».

یکی دیگر از اهالی در ارتباط با مشکلات روستایشان می گوید: «آقا ما اصلا هیچ نداریم. نه قنات درست و حسابی داریم، نه مدرسه برای بچه هایمان داریم و نه حمام درست و حسابی داریم. از لحاظ دکتر و درمان و دارو هم که وضع خراب است.»

روستای مسن آباد در ۴۴ کیلومتری شمال اراک قرار دارد. در این روستا ۵ خانوار زندگی میکنند، که ۱۰ خانوار آنها را خوش نشینان تشکیل می دهند. محصولات عمده روستا گندم، جو و یونجه است. این روستا دارای ۴ مکنده است، ولی آب آنها کفاف اهالی را نمی کند و بهین علت زحمتکشان این روستا ناچار مقداری از اراضی قابل کشت را رها می کنند. قنات روستا چندی خشک شده است. تنها حمام خزینه ای روستا خراب شده و قابل استفاده نیست. اهالی برای حمام کردن به روستاهای اطراف میروند، که چند کیلومتر با روستای آنها فاصله دارد.

خوش نشینان روستا نیز همچون دیگر زحمتکشان بی زمین از نداشتن قطعه زمینی برای کشت در عذابند. یکی از آنها میگوید:

«ما مجبوریم روی زمین افرادی کار کنیم که فقط سالی یک بار، آنهم موقع برداشت محصول آنها را می بینیم. آنها قبلا در ده کشاورزی داشتند و همین جا زندگی میکردند و حالا در اراک و تهران بسر می برند. هر چه که بکاریم، چهار قسمت از ده قسمت را به آنها میدهیم».

یکی دیگر از مشکلات این روستا وضع جاده است، که در تمام زمستان غیر قابل استفاده شده و عبور و مرور در آن قطع میشود.

این بود مشکلات گریبانگیر دهقانان روستاهای اراک، که کم و بیش شامل حال دیگر روستائیان میهنمان نیز میشود. زدودن ویرانی و فقر و محرومیت از روستاها، در وهله نخست، مستلزم انهدام بزرگ مالکی است. اجرای اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب و آئین نامه اجرایی آن بود دهقانان زحمتکش، میتواند گام بلندی در این مسیر باشد. باید به موازات آن برای کشاورزان وسایلو امکانات مدرن کشاورزی تهیه کرد. باید با تامین بودجه کافی برای جهاد سازندگی و استفاده از نیروی بزرگ خود دهقانان، که در این راه با شور و شوق آماده اند، به ایجاد سیستم صحیح آبیاری، تهیه آب کافی و توزیع عادلانه آن اقدام کرد. باید برای دهقانان امکانات رفاهی را، که سالیان سال از آن محروم بوده اند، فراهم کرد.

که اصلا معلوم نیست، کجا هستند. صرفا بخاطر اینکه بگوید من مالک نیستم».

و در خاتمه یکی دیگر از اهالی کاظم آباد مشکلات روستائیان را چنین توضیح می دهد: «... شما الان به هر کوردهی بروید لاقیل یک حمام خزینه ای دارند. اما ما این را هم نداریم. یک حمام خزینه ای داشتیم که خیلی خراب و کثیف بود که آنهم الان ۶ ماه است که کار نمی کند. بعضی از اهالی در این ۶ ماه به حمام نرفته اند و بعضی ها گاهی به روستاهای دیگر می روند. ما برق نداریم، مدرسه راهنمایی نداریم. بچه های ما بعد از کلاس ۵ باید به روستاهای دیگر یا اراک بروند. اگر کسی مریض شود، به ماشین دسترسی نداریم. ما نان برای خوردن نداریم. هه اش تقصیر ارباب است. تا حالا چندبار از دست او شکایت کرده ایم، اما زاندارم می فرمید جانب روستائیان را نمی گیرد. ما از دولت و به خصوص جهاد سازندگی انتظار داریم که کار ما رسیدگی کنند، به ما کمک کنند تا زمینهای روستا را از مالک بزرگ بگیریم».

جلیل آباد یکی از روستاهای اراک است. در این روستا حدود ۵۰ خانوار ساکن هستند. مهمترین مشکل اهالی این روستا آب زراعی است، که با کمکهای مولر جهاد سازندگی در لایروبی قنات تا حدود زیادی این مشکل حل شده است. لیکن بازم آب تمامی احتیاجات روستائیان را برآورده نمی سازد. زمینهای پایر در اطراف این روستا زیاد است، که با حل کامل مشکل آب، زحمتکشان جلیل آباد میتوانند این اراضی پایر را به زیر کشت برند. مشکلات دیگر روستائیان فقدان حمام بهداشتی، برق و درمانگاه است.

روستای آشیانه سفلی در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی اراک واقع است. روستا حدود ۱۵۰ نفر (۴۳ خانوار) جمعیت دارد. مشکل بزرگ روستائیان آشیانه سفلی، خرابی قنات است، که اهالی با پیگیری خود و نماینده شان موفق به دریافت بودجه و دیگر وسایل مورد نیاز (سیمان - آهک - ماسه) از جهاد سازندگی برای لایروبی و تعمیر قنات شدند.

پس از مدتی که اهالی شروع به تعمیر و مرمت قنات کردند، بودجه تعیین شده از طرف جهاد تمام شد و هم اکنون چند هفته ای است که کار تعمیر قنات نیمه کاره رها شده است. نماینده روستا با وجود مسراجه مکرر به جهاد سازندگی موفق به اخذ بودجه دیگری برای اتمام کار قنات نشده است.

اهالی روستا از نهادهای انقلابی اراک، بویژه جهاد سازندگی، میخواهند که هر چه زودتر به کسری بودجه برای تعمیر قنات که مشکل بزرگی است رسیدگی کند. جعباده روستایی دور افتاده و جدا از دیگر روستاها، در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی اراک واقع است. این روستا، که حدود ۱۴۰ نفر جمعیت دارد، از هیچگونه امکان رفاهی برخوردار نیست.

مشکل عمده این روستا کمی آب است. هه ساله رسوبات ناشی از باران و سیل، تنها قنات روستا را پر می کند و آب آن بقدری کم میشود که کفاف آشامیدن را هم نمی کند.

اکثر زمینهای مزروعی روستا بعلت کمی آب به صورت دیم کشت میشود. یکی دیگر از مشکلات روستائیان فقدان مدرسه است. اکثر کودکان و نوس

روستاهای کشورمان را ویرانی و روستائیان زحمتکش بی زمین و کم زمین را فقر و محرومیت حاطه کرده است. این ویرانی و فقر و محرومیت حاصل و نتیجه غارتگریها و بهره کشی های بیحد و حصر رژیم سرنگون شده پهلوی و اربابان وی، یعنی آمریکا و نیز بزرگ مالکان ستمگر است. نحصر اراضی بسیار وسیع و مرغوب در دست چند بزرگ مالک، کمبود زمین و آب و فقدان سیستم صحیح آبیاری، فقدان امکانات درمانی و آموزشی از مشکلات روستائیان است. بمنظور آگاهی از عمق شکلات دهقانان ستمکش استان مرکزی، وضع روستاهای اراک را از نظر می گذرانیم:

و غیر بهداشتی است. روستائیان آب کافی، حمام بهداشتی، برق و دیگر امکانات اولیه را طلب می کنند. ۴۰ خانوار یکی از روستاهای اراک است، که ۶۴ خانوار را دربر می گیرد. لیمی از این تعداد خوش نشین هستند. بمنظور آگاهی هر چه بیشتر از وضع زحمتکشان خسروان سفلی، پای صحبت دوتن از آنان می نشینیم:

«... بعد از انقلاب هنوز هم ما ارباب داریم. خان در سال چند برابر تمام اهالی زمین می کارد و علاوه بر کارگران دائمی، از اهالی روستا هم بعنوان رعیت استفاده میکند. او زمینهای آبی را به خود اختصاص داده و ماهم از دیم چیزی نصیبمان نمی شود. مثلا خانواده های ۸-۷ نفری داریم که فقط دو بار گندم گرفته اند. اهالی از آب فقط یک روز سهم دارند و بقیه روزها مال ارباب است. اگر اینهمه زمین و آب را یکی صاحب نمیشد، ما هم با این فلاکت زندگی نمی کردیم».

یکی دیگر از خوش نشینان خسروان سفلی می افزاید: «... اگر یک قطعه زمین داشتیم راحت میشدم. تا کی برای مردم کار کنم؟ بیش زن و بچه ۱۴ خجالت میکشم. چند روز میروم توی دیم زار گندمها را دانه دانه از زمین میکشم، جمع میکنم و میکوبم، آخرش شاید دوتا بار بشود، که یکی از آن با صاحب زمین و یکی هم بخودم میرسد. ما اگر تمام سال فقط نان خالی هم بخوریم، باز هم نصف سال گرسنه ایم. ما از انقلاب خودمان زمین میخواهیم، آب میخواهیم، دفع شر بزرگ مالک را می خواهیم. از جهاد سازندگی میخواهیم بدهان ما برسد و... مشکلات دیگر روستائیان فقدان برق، درمانگاه و... است. لیکن در راس هه مشکلات آنان «ارباب» قرار دارد، که ضروری ترین وسایل زندگی روستائیان، یعنی آب و زمین را در انحصار خود دارد.

روستای کاظم آباد اراک ۴۳ خانوار را در خود جای داده است، که لیمی از آنها خوش نشین هستند. یکی از اهالی میگوید:

«ما در این روستا هیچی نداریم. بیچاره بیچاره ایم. هه بدبختیهای ما هم از «خان» است. خان در زمان طاقتو زمینهای ما را گرفته و پس از انقلاب هم هنوز خود را مالک زمینها میدانند. همین اندک آبی که در روستا است، شش روز مال ارباب است و ۳ روز مال تمام اهالی. اراضی بین کاظم آباد و خسروان سفلی هه مال ارباب است».

یکی دیگر از اهالی میگوید: «خان خیلی ما را اذیت میکند. امسال اراضی کشت شده ما را به دامداران اجاره داده است و آنها گوسفندان خود را در زمینهای ما چرانند. امام فرموده است که این ظلمها نباید باشد، ولی دست این خان بعد از یکسال و نیم که از انقلاب گذشته هنوز از ده ما کوفته نشده. پس از انقلاب خان اراضی را به اسم بچه هایش ثبت کرده

روستای میجان در ۴۹ کیلومتری شمال اراک ج است. این روستا ۴۸۰ خانوار را دربر می گیرد و ۱۱۰۰ نفر می رسد. ۵۰ خانوار روستای جان خوش نشین هستند و برای گذران زندگی ناچار راک و تهران میروند و با کارگری معاش خود و نوادشان را تامین میکنند.

روستای میجان حدود ۷۹۰ هکتار زمین دیم و ۱۰۰۰ نثار زمین آبی دارد، که بعلت بی آبی، تنها بخش دودی از این اراضی به زیر کشت میروند. بی آبی یکی مشکلات عمده این روستاست. مسائیل آجابانی، یکی روستائیان، در این خصوص میگوید: «ما با پیام امام که فرموده بود هر چه میتوانید بکارید، بتوانیم با آمریکا مبارزه کنیم، ۱۰۰۰ خوراک بذر ک زمینها ریختیم، ولی چون قناتمان خشک شد و آب ده، حالا زیور می توانیم حتی بذرمان را از زمین برد آوریم».

علی قلی، یکی دیگر از زحمتکشان روستای میجان، باه می کند: «سبب زمین کاشتم، آب نبود و هه خشک شد. لجه هم همینطور. امسال نفی دانه چگونه هزینه زندگی نوادمان را تامین کنم».

قنات روستا از چندی قبل خشک شده است. ازسوی یاد سازندگی به روستا آمدند و پس از بررسی وضع ت به روستائیان گفتند که، ۵ کیلومتر مسیر قنات ر آب است و باید با ییل مکانیکی لایروبی شود و این ر حدود ۳ میلیون تومان لازم دارد. جهاد بودجه ندارد. اهالی برای مرمت قنات باید لیمی از پول را بپردازند. روستای میجان فاقد حمام بهداشتی است و تنها حمام ستا خزینه ای تقریبا غیر قابل استفاده است.

روستای محمدی در ۱۵ کیلومتری شمال اراک ج است. از ۱۵۰ خانوار ساکن در روستا، ۵۰ (نوار) خوش نشین هستند. رضا رسولی، یکی از خوش نشینان، در مورد این دسه از زحمتکشان روستا میگوید: «ما ۵۰ خانوار هستیم که زمین نداریم و مجبوریم ک اراضی دیگران کار کنیم. افرادی هستند که بیش ۵۰ هکتار زمین دارند. اداره کشاورزی بما وام نمی ده. مسئولین این اداره میگویند چون شما نتق ندارید، ما وام نمی دهیم».

مسعود رسولی، یکی دیگر از زحمتکشان، که ییمرمد ر ساله ای است، می افزاید:

«اگر آب و زمین به اندازه کافی بما بدهند، پدر ریکا را درمی آوریم، کاری می کنیم که اصلا به گندم با احتیاجی نداشته باشیم».

علی آباد یکی دیگر از روستاهای اراک است. روستا ۴۰ خانوار را دربر می گیرد. اهالی این روستا، کمک و یاری جهاد سازندگی، به امر لایروبی قنات ستا همت گماردند، که بسبب فرارسیدن ماه رمضان، ل لایروبی متوقف ماند. اکنون اهالی روستا اتمام کار ت را خواهان هستند. حمام روستای علی آباد خزینه ای

کادری به روستا

روستای علی آباد (فسا)



دهقانان روستای علی آباد (فسا) است

برای احمام خود. تا بیست و نه خانوار از آب جاه استفاده می کنند، و زمستانها به روستای رویبر می روند. در این روستا یک دبستان وجود دارد، که در آن تا کلاس پنجم تدریس میشود. دانش آموزان برای ادامه تحصیل به روستای رویبر میروند. از ۸۵ خانوار ساکن این روستا نزدیک به ۵۰ خانوار خوش نشین هستند. بقیه ساکنان روستا را خرده مالکان تشکیل میدهند. شمس، مالک بزرگ این

روستا ۴۰۰ هکتار زمین دارد. در سال ۴۱ وی مقدار کمی از زمینها بیش را به دهقانان داد و قسمت اعظم زمینها را برای خود نگه داشت. خرده مالکان این روستا اکثرا یک یا دو هکتار زمین دارند. این زمینها جو بکوی نیازهای زندگی آنان نیست. آنها بناچار برای ادامه زندگی، بر روی زمینهای مالک بزرگ و یا در کارخانه های اطراف کار می کنند.

آنها منتظر اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. آنها برای جلوگیری ز درگیری تا به امروز از تقسیم زمینهای مالک بزرگ خودداری کرده اند.

مالک بزرگ با اقدامات خود عملا موجبات مخروبه شدن قنات را فراهم کرده و از این راه لطمه های فراوانی به کشاورزی این روستا و مکانات رفاهی زده است.

محصول عمده این روستا گندم و حنغندراست. دامداری نیز در این روستا رایج است و بخشی از درآمد روستائیان از راه دامداری به دست می آید. روستائیان از کودهای حیوانی برای تقویت بهره دهی زمین استفاده میکنند. گرانی و کمبود مواد غذایی یکی از مشکلات روستائیان است. اکثر مواد غذایی در روستا کم یاب و گران است. روستائیان مجبورند به شهرستان فسا بروند و مواد آشی خود را از این شهر تهیه کنند.

برای بهبود شرایط زندگی و تولید در این روستا، باید با واگذاری زمین به دهقانان تهیدست و تشویق آنان برای تولید تعاونی اقدام کرد. تهیه مواد غذایی نیز از مسائل اساسی این دهقانان و بسیاری از دهقانان منطقه است، که می توان با ایجاد تعاونی های مصرف این معضل را حل کرد.

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

دهقانان کم زمین
وی زمین!
 باتشکیل کمیته های خود
 و باتکیه به پاسداران متعهد
 و افراد دلسوز جهاد سازندگی،
 به مسئولان دولتی کمک کنید،
 تا قانون اصلاحات ارضی
 سریعاً و بسود شما اجرا شود

لهستان آرامش خود را باز مییابد

خبرگزاری تاس گزارش می دهد: در ورشو اطلاع داده شد که بر اساس موافقت های که در مورد یک عده از مسائل اجتماعی و اقتصادی حاصل شده، کار در بنگاه های سواحل گدانسک، سدسین وال بلونک و همچنین در دیگر نواحی که در آنجا وقفه در کارها پدید آمده بود، مرتباً از سر گرفته شده است. مطبوعات لهستان خاطر نشان می کنند که در نتیجه اختلال آهنگ عادی کار، دشواریها اقتصاداً در کشور ژرفتر شده و این امر در برخی نقاط موجب برهم خوردن سازمان تولید و توقف وسائل باربری و کم و کسریهایی در تامین نیازهای زندگی آنها گردیده است.

فقط در شهر سدسین به تنهایی ۶۱ کشتی حامل غله و علوفه و مواد خام، که بدون آنها بسیاری از بنگاهها قادر به کار نیستند، تخلیه نشده مانده اند. یکی از رهبران اداره رسمی اطلاعات لهستان، روزی ویکیوم اوت (۹ شهریور) در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که هنگام حل و فصل اوضاع بحرانی عقل و خرد فائق سدسین احساس می کند که تا درستی طرز فعالیت برخی سازمانها موجب بروز ناسازگاری شدواین هم به نوبه خود باعث عدم رضایت مردم در رشته های اجتماعی و اقتصادی گردید. بنا به گفته او، این مشکلات سال به سال رند میگرد و شکل تندوحاد آنها در روزهای اخیر متظاهر شد.

روزنامه تریبونالودوارگان کمیته مرکزی حزب متحدکارگر لهستان در سرمقاله خود نوشت:

"ما امروز مسائل بفرنج در دناکی را مورد بحث و گفتگو قرار دادیم. در این روزها هیچیک از این مسائل ممنوع شمرده نمی شود. میلیونها تن درباره هر یک از این مسائل فکرو بحث می کنند و نیروی عظیم مادمین است. ما باید هر چه از دستمان ساخته است، به کار ببریم تا از این نیروی سود رفا و ترقی همگان استفاده شود. ولی برای این مقصود لازم است که ابتدا از بحران خارج سوم و به کار عادی و فعالیت عادی کلیه دستگا های زندگیمان برگردیم و محیط منظم و آرامش، عقل سلیم و تعادل فکری و حس مسئولیت در رفتار را به وجود آوریم."

روزنامه تریبونالودو سپس

احزاب پاکستان بر ضد رژیم ضیاءالحق متحد میشوند

در کراچی رهبران احزاب عمده پاکستان برای هماهنگی اقدامات در جهت لغو حالت فوق العاده و اعاده دموکراسی به کشور تشکیل جلسه دادند. احزاب مختلف پاکستان در هفته های اخیر رژیم دست نمانده ضیاءالحق را بخاطر سرکوب آزادی ها و خدمت به منافع امپریالیسم آمریکا، شدیداً محکوم کرده اند. کنفرانس کراچی در حالی برگزار می شود که رژیم دیکتاتوری پاکستان، فشار و سرکوب را افزایش میدهد.

کنفرانس همبستگی با لیبی رژیم سر- سپرده سادات و مساومتنامه خائنانه کمپ دیوید را محکوم کرد

کنفرانس همبستگی با لیبی در طرابلس یکا روخودیا بیان داد. این کنفرانس در قطعنامه خود رژیم سرسپرده سادات و موافقت نامه خائنانه کمپ دیوید را شدیداً محکوم و اعلام کرد که رژیم سادات نیروهای خود را در مرز لیبی مستقر میکند، تا این کشور را مرعوب سازد و از راه مبارزه قاطع با امپریالیسم و صهیونیسم باز دارد. در قطعنامه همچنین اضافه شده است که سادات، بدستور آمریکا، خاک مصر را به مرکز آموزش خرابکاران تبدیل کرده است، تا علیه انقلاب ایران و در آفریقا مداخله کند.

می نویسد: برای اینکه بهترین راه خروج از اوضاع موجود در لیبی، باید تضمین کنیم که آن نیروهای که به وجود لهستان سوسیالیستی ذینفع نیستند و ویرانی و هرج و مرج ببار می آورند و کلیه کسانی که از شعار هر چه بدتر برایمان بهتر بیرونی می کنند، در امورمان مداخله نخواهد کرد. روزنامه تریبونالودو هممه کمونیستها و کلیه لهستانها را فرا می خواند که اقدامات مجد انه ای عمل بیاورند، تا اینکه بحران موجود از میان برود و زندگی عادی در کشور احیا شود.

سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان برای دفاع از میهن و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شویم!

پدر خونخواری انتخاب کرده اند و خواب به سلطنت رساندن او را می بینند. در این شرایط، وقاحت ضد انقلاب به حدی رسیده است که هواداران بختیار، اعلامیه های خود را در سطح وسیعی در دانشگاهها پخش می کنند، و آنطور که در روزهای گذشته شاهد بودیم، در آمریکا و انگلستان، مجالس سخنرانی ترتیب می دهند و دست به تظاهرات میزنند. ضدانقلاب از تشکل خود دودهن را دنال می کند: اول سازمان دادن فعالتهای ضد انقلاب در داخل کشور و سپس سر باز گیری از میان ایرانیانی که به خارج از کشور می آیند، برای پیوستن به ضد انقلاب داخل کشور. هموطنان!

هموطنان! هر روز که می گذرد، انقلاب خلتی و شکوهی ایران، توطئه های را از سر می گذرانند. ضد انقلاب، هر روز از روز پیش جری تر می شود، اینک بپرده به میدان آمده است. ضد انقلاب، که آشکارا از جانب امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، حمایت و هدایت می شود، در سطح وسیعی به جمع آوری و تشکل نیروهای خود دست زده است.

ضد انقلاب متشکل میشود. این خطری است که باید آنرا افشاء نمود و پان رژیم.

بر طبق اخباری که ورق بازه سیا ساخته اخبار ایران، منتشر کرده است:

اویسی، جلاد شاه، خواستار تشکیل یک رهبری دسته جمعی برای نجات ایران شد.

ارتشید شاه خائن، آریانای فاشیست، ایجاد سر فرماندهی ضد انقلاب را با شرکت خود او، اویسی و ازهارای اعلام کرد.

ضدانقلابیون آسیا، اروپا، آمریکا در جزیره هلگولند جلسه ای برای هماهنگی تشکیل دادند، تا فعالتهای سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را علیه رژیم انقلابی ایران هماهنگ سازند.

۱۱ سازمان به اصطلاح میهن پرست از کشورهای اروپای غربی و آمریکا، جبهه به اصطلاح آزادی ایران، را تشکیل دادند. همه این اقدامات در شرایطی انجام می گیرد که، ضد انقلابیون، متحدان فرزند طاغوت را به جانشینی



پلیس فرانسه تظاهرات ماهیگیران اعتصابی را درهم شکست

پلیس فرانسه تظاهرات ماهیگیران اعتصابی را در پاریس، با گاز اشک آور و با طوم درهم شکست. ماهیگیران فرانسه چند هفته است که بعنوان اعتراض به اخراج بی رویه کارگران کشتی های ماهیگیری دست به اعتصاب زده اند. ماهیگیران همچنین خواهان افزایش کمکهای مالی دولتی هستند. اتحادیه های ماهیگیران اعلام کرده اند که اگر دولت به تقاضاهای ماهیگیران محروم توجه نکند، محاصره بنا در فرانسه از سر گرفته خواهد شد.

درمان رایگان برای افراد کم درآمد در زیمبابوئه

دولت زیمبابوئه با انتشار فرمانی افراد کم درآمد را معمول خدمات رایگان پزشکی قرار داد. طبق این فرمان، اکثریت افراد در روستا نشین معمول این فرمان میشوند. دولت زیمبابوئه قصد دارد در آینده نزدیک همه افراد را مشمول درمان رایگان قرار دهد.

خرابکاری چین در جنوب شرقی آسیا، صلح و آرامش منطقه را بخاطر انداخته است

وزارت خارجه کامبوج در بیانیه ای اعلام کرد که صلح و آرامش تنها هنگامی در جنوب شرقی آسیا برقرار خواهد شد، که یکن از خرابکاری های رژیم کمونیست در جنوب شرقی آسیا، متوقف شود. در بیانیه آمده است که رژیم کمونیست در جنوب شرقی آسیا، اقدامات مخرب و تخریبی در منطقه انجام داده و با امپریالیسم آمریکا هم دست شده و از گروه های نژادی چینی در کشورهای آسیای جنوب شرقی برای خرابکاری استفاده می کند.

بیرک کارمل: امپریالیستها کوچکتر از آنند که چرخ تاریخ را بعقب برگردانند

بیرک کارمل، رهبر افغانستان، اعلام کرد که در حالیکه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از انقلاب افغانستان دفاع میکنند، محافل امپریالیستی و ماژوریت های یکن تلاش دارند تا امنیت ارضی و حاکمیت افغانستان را خدشه دار سازند. کارمل گفت که اگر حمایت اتحاد شوروی نبود، افغانستان با احتمال بسیار زیاد استقلال خود را از دست میداد و بنا بر این مردم افغانستان از اتحاد شوروی بخاطر کمک و حمایت از جمله کمک نظامی به افغانستان سپاسگزارند. رهبر افغانستان تاکید کرد که امپریالیست ها و یکن و ارتجاع جهانی موفق نخواهند شد انقلاب مردم افغانستان را خفه کنند و این کشور را به پایگاه تجا و ز علیه کمپوزها و ملت های آزادیخواه شرق تبدیل نمایند. تلاش های مذبحا نسه امپریالیسم و یکن در این راه محکوم به شکست است. امپریالیست ها کوچکتر از آنند که چرخ تاریخ را به عقب بگردانند. کارمل گفت که مردم افغانستان در مبارزه با ضد انقلابیون پیروزی میسند و از سوی دیگر وحدت و یکپارچگی حزب روز به روز مستحکمتر می شود. رهبر افغانستان با ردیگریا دا و رشد که تنها راه حل و فصل مسائل، قطع مداخله خارجی در امور افغانستان و قطع گسیل ضد انقلابیون به افغانستان است.

هر کلام...

به شدت مجروح کردند. مسلم است که مناظره و تبادل افکار زمانی مثبت و دارای ارزش انقلابی است که هدف از برگزاری آن سازندگی در جهت تحکیم مواضع انقلاب و تقویت وحدت و یکپارچگی تمام زحمتکشان و نیروهای ضد امپریالیستی در برابر برپوش امپریالیسم باشد. ایجاد مناظره تفرقه آمیز و در محیط تشنج و برپا ز تحریک بر روی مضامین به کلی دور از زندگی واقعی جامعه و مطابق میل نفاق افکنان و دشمنان انقلاب، در شرایط حساس فعلی فطش می تواند جدا می افکن و تضعیف کننده انقلاب و در جهت خلاف ضرورت تشنج دو همبستگی مردم باشد. در شرایط حساس

در جهان سوسیالیسم

صندوق مصرف اجتماعی اتحاد شوروی در چهل سال گذشته ۲۳ برابر شده است

یکی از منابع افزایش درآمد واقعی سرانسه زحمتکشان شوروی صندوق مصرف اجتماعی است، که در حدود هشتاد درصد آن از بابت بودجه دولتی و بقیه آن از سوی سود واحدهای اقتصادی و تعاونی ها تامین می شود. این صندوق، که بدون در نظر گرفتن مقدار کار افراد، در میان آنها تقسیم می گردد، در چهل سال گذشته ۲۳ برابر شده است.

در حالی که در سال ۱۳۴۹، یک خانواده چهار نفره بطور میانگین، سالانه ۱۵۵۲ روبل از بابت صندوق مصرف اجتماعی دریافت می داشت، این رقم در سال ۱۳۵۷ به ۱۶۱۶ روبل رسید و اکنون به ۱۷۵۰ روبل افزایش یافته است. نیمی از این مبلغ را پرداخت های مستقیم، چهل درصد را خدمات رایگان و ده درصد بقیه را کمک هزینه سکیلی می دهد.

بیش از ۸۰ درصد صندوق مصرف اجتماعی به آموزش، بهداشت و امنیت اجتماعی اختصاص می یابد. هزینه های نام برده برای هر شهروند شوروی برابر با ۴۰۴ روبل می شود. مصارف بهداشتی و تربیت بدنی، که در اتحاد شوروی از بابت صندوق مصرف اجتماعی تامین می گردد (یعنی بهداشتی رایگان، اقامت در آسایشگاه و ورزش) در سال ۱۳۴۴ به ۶/۹ میلیارد روبل بود. این رقم در سال ۱۳۵۴ به ۱۲/۹ میلیارد روبل و در سال ۱۳۵۸ به ۱۳/۶ میلیارد روبل رسید.

در جهان سرمایه داری

در آمریکا به رئیس جمهور بازنشسته بد نمی گذرد!

در ایالات متحده آمریکا، دیگر سب شده است که رئیس جمهور، پیش از تحویل مقام خود، اسلحه تسلیح بریزد! اما واقعیت اسلحه او به خلاف پنج میلیون آمریکایی که اینک بیگانه و بیپسوده در جستجوی کار تلاش می کنند، می تواند مطمئن باشد که آینده درخشانی در انتظارش خواهد بود.

برای نمونه، نیکسون، که بر اثر افتتاح و اثر گیت محبوب به استعفا شد، سالانه ۸۴۰۰۰ دلار حقوق بازنشستگی دریافت می کند (۶۵ هزار دلار بابت ریاست جمهوری و ۱۹۰۰۰ به خاطر ساینده کی گره). وی علاوه بر این، دهمی مرک از همکار دارد، که دولت حقوق آنها را می دهد. دولت آمریکا همچنین تحمل هزینه سفر، وسائل کار و کرایه خانه نیکسون می شود. هزینه های نام برده در سال گذشته متجاوز از ۲۳۰ هزار دلار بود. به اسامی باید همچنین مخارج سنگین محافظان از رئیس جمهور اسبق و خانواده او را افزود. یادآور می سوم که این گونه مخارج در مورد خانواده فورد در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲۲ میلیون دلار بود.

حال که او فورد سخن رفت، بد نیست موصوف بازنشستگی او بر نظری بیافکنیم. جرال فورد سالانه ۱۰۶ هزار دلار حقوق بازنشستگی می گیرد و ۱۲ همکار دارد، که از دولت سالانه ۱۵ هزار دلار حقوق دریافت می کند. مخارج دفتر فورد در سال ۱۹۷۸، ۲۹۱۶۸۵ دلار بود، که از اقلام زیر تشکیل می شد: تلفن: ۲۳۴۸۷ دلار، روزنامه و مجله: ۹۷۹ دلار، گل: ۲۲۴۹ دلار، هزینه سفر: ۲۹۹۴۱ دلار.

البته حقوق بازنشستگی تنها منبع درآمد روسای حامی حقوق سابق آمریکا نیست. مثلا نیکسون تا به حال ۱/۵ میلیون دلار بابت کتابها و مصاحبه های تلویزیونی خود دریافت داشته است. فورد در آرای همکاری خود با "انسیتیو کارفرمایان آمریکا"، سالانه ۵۰ هزار دلار عایدی دارد. فزون بر این، جرال فورد به اتفاق همسرش، قراردادی به مبلغ یک میلیون دلار برای نوشتن خاطراتش با یک بنگاه انتشاراتی منعقد کرده است. وی همچنین قراردادی دیگری به مبلغ ۱/۵ میلیون دلار با ایستگاه های تلویزیونی بسته است.

به نظر می رسد که ریاست جمهوری در آمریکا بد کس و کاری نباشد.

کنونی، حتی سوء تعبیر از سخنان مقامات مسئول کشور، که در حفظ اتحاد مردم و نیروهای راستین انقلابی وظیفه سنگینی به عهده دارند، می توان ندیده راحتی مسورد استفا ده های نادرست اشخاص مفروض قرار گیرد.

ماضی محکوم کردن حمله ناخواندگان به رفیق دیبستان ضیا و روی کلیه اقدامات تحریک آمیز عناصر غیر مسئول، که عملاً نیات سوم ضد انقلاب را عملی می سازند، از کلیه مقامات و بزه و رخنه نبوده که با بدحمتی مقام خویش را حفظ کنند و منادی وحدت نیروهای انقلابی باشند می خواهیم، همانگونه که امام خمینی بارها تاکید کرده اند، وحدت و یکپارچگی خلق را محور بیانات خود سیاست خود قرار دهند، زیرا که تنها در سایه اتحاد است که می توان با اطمینان گفت: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

